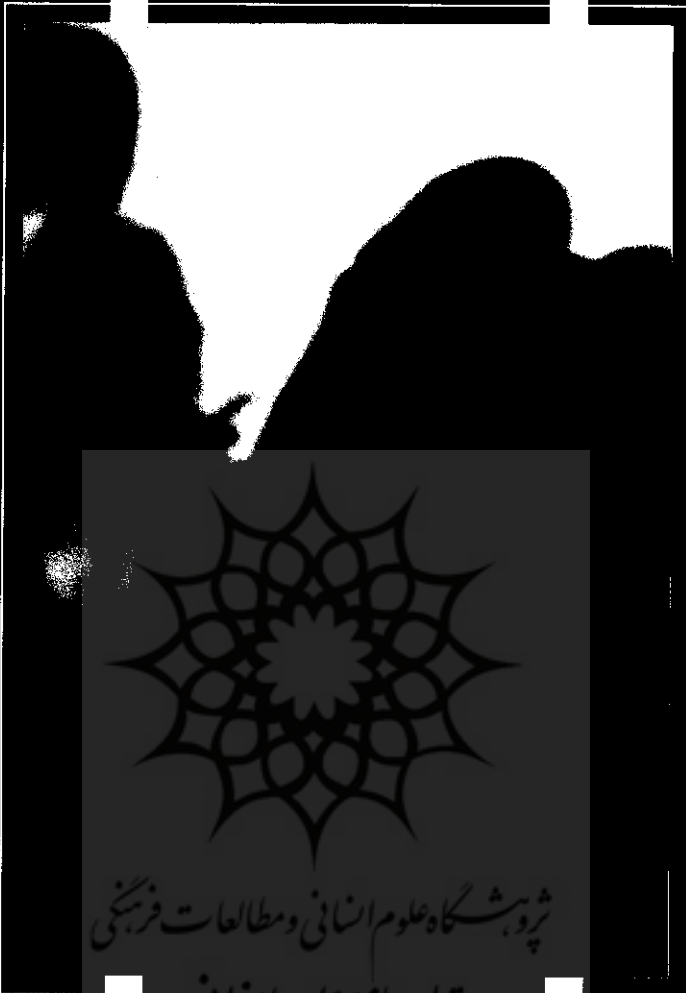


با همکاری آقای علی اصغر فلاح



دادنامه شماره ۴۵/۷/۲/۸۳ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات:

خلاصه پرونده: گزارش دادرسی محترم انتظامی حکایت دارد شخصی به نام ح-ط که آپارتمان استیجاری خود را به مرکز فساد و فحشاء اختصاص داده و حسب اقرار خودش از هر نفر مبلغی دریافت می کرده دستگیر گردیده است در این رابطه سه نفر خانم نیز دستگیر شده اند و اقرار به ارتباط نامشروع با دریافت وجه نموده اند پرونده به نظر معاون مجتمع قضایی رسیده ایشان دستور داده مستهینین به مدت ۲۴ ساعت تحت نظر باشند وضعیت مالکیت آپارتمان و صاحب مشروبات الکلی کشف شده روش و تحقیقات تکمیلی انجام شود. روز بعد پرونده به مجتمع... ارسال و به شعبه... که قاضی آن آقای... (دادرس دادگاههای

چنین اعلام تخلف نموده است.
۱- متهمین حسب دستور مورخ ۸۱/۸/۱۱ معاون مجتمع ۲۴ ساعت تحت نظر قرار گرفته اند آقای... با تخطی از مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۲ قانون این دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مجدداً در تاریخ ۸۱/۸/۱۲ دستور داده متهمین تحت نظر باشند فردای آن روز دستورانی داده و در خصوص متهمین قرار تأمین صادر نکرده است.

۲- بعد از اینکه قرار تأمین را در تاریخ ۸۱/۸/۱۴ صادر نموده آن را به اعضای متهمین رسانده است.

۳- احد از متهمین دو نفر وکیل معرفی نموده جلسه دادگاه بدون حضور و ابلاغ وقت به وکلای متهم تشکیل شده.

۴- رأی صادره در قسمتهایی غیرموجه است زیرا مستنداً به ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۷۸/۹/۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

تعیین مجازات چهل روز حبس برای متهمین مغایر قانون بوده است.

۵- صدور رأی بر محکومیت ط-ر که در منزلش دستگیر شده و در مراحل تحقیق منکر هرگونه رابطه نامشروع و ارتباط با خانه فساد شده غیرموجه و خلاف دلایل و قرائین موجود بوده است مضافاً اینکه در خصوص مشروبات الکلی اظهار نظر نشده در پایان مطابق مواد ۱۴ و ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات انتظامی آقای... شده است کیفرخواست در تاریخ ۸۲/۹/۱ به نامبرده ابلاغ شده لکن دفاعی به عمل نیاورده است.

اینک شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است و پس از قرائت گزارش و کسب نظر نماینده محترم دادرسی انتظامی قضات اجمالاً مبنی بر: اتخاذ تصمیم شایسته و

متهمه دیگر به ارتکاب فعل حرام قرار کفالت صادر نموده است که منجر به بازداشت آنها شده است س-ش دو نفر وکیل معرفی می نماید آقای دادرسی دادگاه در ظهر لایحه وکیل دستور تعیین وقت داده و در وقت رسیدگی جلسه دادگاه با حضور متهمین تشکیل و پس از محاکمه و اعلام ختم دادرسی به موجب دادنامه شماره ۸۱/۹/۱۱-۱۹۸۸ با احراز اتهام ح-ط مبنی بر دایر کردن مرکز فساد و فحشاء و اتهام س-ش و شش نفر خانههای دیگر مبنی بر تشویق به فساد و فحشاء مستنداً به ماده ۶۳۹ و رعایت بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی نفر اول به تحمل دو بیست و بیست روز حبس و سایرین هر کدام به تحمل چهل روز حبس تعزیری محکوم شده اند دادرسی انتظامی قضات به موجب کیفرخواست شماره ۸۷۰-۸۱/۱۱/۲۰-۸۱ علیه آقای... اجمالاً

عمومی) بوده است ارجاع گردیده، قاضی موصوف پرونده را به نیروی انتظامی اعاده داده تا ضمن تحقیق سایر افراد مرتبط دستگیر شوند و متهمین تحت نظر باشند مأمورین دو نفر خانم دیگر (مادر و دختر) را در همین رابطه دستگیر و روز بعد پرونده را به نظر دادرسی مزبور رسانده اند ایشان از متهمین تحقیق و مجدداً پرونده را به نیروی انتظامی اعاده داده تا نسبت به شناسایی و دستگیری سایر افراد مرتبط اقدام نمایند در همین راستا شخصی به نام س-ش (شاکی انتظامی) نیز دستگیر و ضمن تحقیقی که در نیروی انتظامی از وی شده به برقراری رابطه نامشروع با چند تن از متهمان دستگیر شده اقرار نموده است پس از انجام تحقیقات دادگاه در خصوص آقایان ح-ط و س-ش به اتهام تشویق به فساد و فحشاء قرار وثیقه به مبلغ یکصد میلیون ریال و در خصوص شش

قانونی مشاوره نبوده و چنین رأی می دهد:

رأی شعبه

آقای دادرس علی البدل وقت دادگاه عمومی تهران اولاً علی رغم اینکه متهمین در یک مرحله با دستور معاون قضایی به مدت ۲۴ ساعت تحت نظر بوده اند دستور داده تحت نظر باشند و خلاف ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب عمل کرده است. ثانیاً جلسه دادگاه را بدون وکیل تعیین شده متهم و ابلاغ وقت به وی تشکیل داده است عملی هذا با احراز تخلف قضایی موصوف مستنداً به ماده ۱۴ و ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر یک هفتم حقوق برای مدت سه ماه محکوم می گردد در سایر موارد اعلام شده تخلف احراز نمی شود زیرا در ماده ۶۳۹ قانون محازات اسلامی حداقل مجازات یکسال و حداکثر ده سال می باشد بنابراین تعیین مجازات چهل روز حبس برای عده ای از متهمین منع قانونی نداشته مضافاً محکومیت خانسی که در منزل خودش دستگیر شده و مسکر بزه بوده یا توجه به محتویات پرونده و کسب بعضی لوازم مربوطه و احراز بزه توسط قضایی محمول بر مظهر قضایی است فلذا در این مورد آقای نیرنه می شود این رأی قضعی است

دادنامه شماره ۷ مورخ ۸۳/۱/۲۴ شعبه دادگاه عالی انتظامی قضات

گردشکار دادستان انتظامی قضات به موجب کیفرخواست شماره ۲۶-۲۶-۸۲ صادر در پرونده کلاس ۴۷۳۶/۹۵/۸۱ انتظامی بر اساس نظریه آقای دادیار که به تأیید آقای معاون آن دادسرا رسیده آقای رئیس وقت شعبه دادگاه عمومی ورامین را در رسیدگی بدیرونده کلاس ۱۱۰۸۰/۳۶۴ متخلف اعلام و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه مجازات انتظامی او را نفاضا کرده است

آقای دادیار انتظامی جریان امر را حین گزارش کرده است پرونده محلی تحت مطالعه قرار گرفت ملاحظه شد به استناد فتوایی صورتجلسه ۱۷/۱/۸۱ در دادگستری ورامین شعبه دوم دادگاه عمومی به دادگاه اطفال بحقیقت داده شده لذا دادگاه عمومی شعبه ورامین می بایست از رسیدگی به این پرونده خودداری می نمود

در تالی آقای رئیس دادگاه در رسیدگی رعایت ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری را معمول نموده و از ولی یا قیم طفل مجنی علیه تحقیق نکرده

ثالثاً پس از تحقیق از متهم (۶-۱۴ ساله) و تفهیم اتهام به او مطابق ماده ۲۲۴ قانون مرقوم یکی از قرائهای تأمین را از وی اخذ ننموده و نامبرده را

بلاقیدها کرده است

پس از ابلاغ کیفرخواست، لایحه دفاعیه ای از سوی قاضی مریور واصل نشده است.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرانت گزارش پرونده و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات در اجرای ماده ۴۱ قانون اصول تشکیلات دادگستری مبنی بر صدور حکم دایر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه مورد نشاناست) با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی شعبه

تخلفات قاضی مشتکی عنه دایر بر رسیدگی به اتهام طفل صغیر علی رغم وجود دادگاه اطفال در واحد قضایی. ۲- عدم رعایت مواد ۲۲۴ و ۲۲۴ آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری با عدم دفاع وی در قبال کیفرخواست انتظامی محرز است. لذا آقای رئیس وقت شعبه... دادگاه عمومی ورامین را به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر ثلث حقوق ماهانه به مدت شش ماه محکوم می نماید. رأی صادره قطعی است.

دادنامه شماره ۱۵/۱۶/۲۷/۸۳ شعبه دادگاه عالی انتظامی قضات

خلاصه پرونده دادسرای محترم انتظامی قضات به موجب دو فقره کیفرخواست به شماره های ۱۶۷/۴/۵/۸۲ و ۲۳-۲۰۸/۴/۸۲ علیه آقای رئیس وقت شعبه دادگاه عمومی تهران و رئیس فعلی شعبه که در خصوص شکایت شاکی مبنی بر ممانعت و مزاحمت از حق توسط مشتکی عنه در ملک اشراکی با وصف مذکور قرار اناطه صادر نموده است مرتکب تخلف انتظامی شده است فلذا مستنداً به ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر عیشر حقوق به مدت دو ماه محکوم می گردد.

ب قبول اعتراض اصحاب دعوی در مورد نظر ابرازی کارشناس به موجب تکلیف قانونی است نه به معنای مخدوش بودن نظریه مضافاً نظریه هیأت کارشناس در تأیید نظر کارشناس اولیه در خصوص تغییرات ساختمانی توسط مسنآجر بوده است و اینکه نوشته اند بر اساس ساختمان لطمه وارد نکرده است امری است مربوط به ماهیت دعوا بویژه اینکه تعمیرات ساختمانی می بایست با اجازه مالک و یا اجازه دادگاه باشد علی هذا با رفع اثر از کیفرخواست شماره ۲۳-۲۰۸/۴/۸۲

ب- اجمال مطالب کیفرخواست شماره

۲۰۸-۲۳/۴/۸۲ این است که اولاً، قضایی موصوف در خصوص دعوی تخلیه واحد تجاری به لحاظ تعدی و تفریط با نظر کارشناس اولیه مبنی بر تغییرات رأی به تخلیه داده است حال اینکه نظریه کارشناس اولیه مورد اعتراض قرار گرفته و دادگاه هیأت کارشناس تعیین نموده تا بررسی و اظهار نظر نمایند و این اقدام دادگاه (ارجاع به هیأت) دلیل مخدوش دانستن نظر کارشناس اول است بنابراین صدور حکم به استناد نظریه مذکور صحیح نبوده است. ثانیاً نظر اعلام شده هیأت کارشناسان دارای دو امضاء می باشد و نفر سوم امضاء نکرده است (و تناقضی مهلت داشته) مضافاً اینکه اصل آن در پرونده نمی باشد (فقط تصویر بی پوست پرونده گردیده است) در این نظریه به عملیات مسنآجر تعدی و تفریط تشخیص نگردیده بلکه اعلام کرده اند تغییرات انجام شده بر اساس ساختمان لطمه ای وارد نکرده است آقای رئیس دادگاه که بدون توجه به این نظریه موصوف رأی به تخلیه داده است مرتکب تخلف شده است آقای... پس از ابلاغ کیفرخواست طی لایحه ای از خود دفاع نموده است که هنگام شور قرانت خواهد شد.

اینک شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است با قرانت گزارش و لایحه دفاعیه و کسب نظر نماینده محترم دادرسی انتظامی قضات احتمالاً مبنی بر اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی مشاوره نبوده و چنین رأی می دهد:

الف صدور قرار اناطه (موضوع کیفرخواست شماره ۱۶۷-۴/۵/۸۲) در خصوص ادعای شخصی که مالکیتش مورد اعتراض مدعی علیه قرار نگرفته صحیح بوده است بنابراین آقای...

رئیس وقت شعبه... دادگاه عمومی تهران و رئیس فعلی شعبه... که در خصوص شکایت شاکی مبنی بر ممانعت و مزاحمت از حق توسط مشتکی عنه در ملک اشراکی با وصف مذکور قرار اناطه صادر نموده است مرتکب تخلف انتظامی شده است فلذا مستنداً به ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر عیشر حقوق به مدت دو ماه محکوم می گردد.

ب قبول اعتراض اصحاب دعوی در مورد نظر ابرازی کارشناس به موجب تکلیف قانونی است نه به معنای مخدوش بودن نظریه مضافاً نظریه هیأت کارشناس در تأیید نظر کارشناس اولیه در خصوص تغییرات ساختمانی توسط مسنآجر بوده است و اینکه نوشته اند بر اساس ساختمان لطمه وارد نکرده است امری است مربوط به ماهیت دعوا بویژه اینکه تعمیرات ساختمانی می بایست با اجازه مالک و یا اجازه دادگاه باشد علی هذا با رفع اثر از کیفرخواست شماره ۲۳-۲۰۸/۴/۸۲

دادگاه عمومی تهران و ... محرز بوده بر تعقیب انتظامی مشارالیه به علت مسامحه در انجام وظیفه و عدم مراعات قوانین موضوعه براساس مواد ۱۴ و ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات، نظر دارم.

با نظریه فوق موافقت شده در نتیجه کیفرخواست مرقوم از دادسرای انتظامی قضات صادر شده به استناد مواد ۱۴ و ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات انتظامی قاضی مستکی عنده انتظامی گردیده است.

کیفرخواست مذکور به قاضی نامبرده ابلاغ شده از ناحیه وی لایحه دفاعیه ای واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد شد. نسبت به کیفرخواست های شماره ۴۳۷ و ۴۳۶ و ۳۰/۷/۸۲ علیه آقایان ... و ... قضات محاکمه تجدیدنظر استان تهران قیلا دادنامه های شماره ۵۰۹ و ۵۰۸ و ۲۳-۱۰-۸۲ صادر شده است.

اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از مطالعه گزارش امر و لایحه دفاعیه ما کسب عقیده معاون محترم دادسرای انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دادر بر تعیین مجازات انتظامی قاضی مستکی عنده مورد تقاضاست) و انجام مسوره به شرح آتی صادر می نماید.

توضیحات و توضیحات

۱- با توجه به گزارش مستندی کیفرخواست، تخلف قاضی مستکی عنده انتظامی از جهات زیر محرز است. ۱- با وجودی که خواسته های دعوا (خلع بد، قلع بنا و مطالبه اجرت المثل) بوده ولی خواهان به ماخذ دعوی غیرمالی هزینه دادرسی پرداخت نموده است با این حال از سوی رئیس دادگاه دستوری در زمینه رفع نقص و تکمیل دادخواست به دفتر صادر نگردیده است. ۲- رسیدگی به موضوع افزایش خواسته بدون ابلاغ آن به خواننده دعوی. ۳- عدم اظهار نظر راجع به خسارات دادرسی که مورد مطالبه قرار گرفته و مدافعات قاضی موصوف نست به موارد مذکور موجه تشخیص داده نشد بنا به مراتب آقای ... رئیس سابق شعبه ... دادگاه عمومی تهران را نسبت تخلفات مذکور به استناد ماده ۱۴ و صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر خمس حقوق ماهانه به مدت سه ماه محکوم می نماید. در سایر موارد ایزاد به عملکرد مشارالیه با توجه به مدافعات وی و اوضاع و احوال پرونده وارد به نظر نرسید. رأی قطعی است.

شناخته و بر این اساس انشای رأی کرده که این امر با پاسخ استعمال وضعیت ثبتی مطابقت ندارد. ۴- خواهانها در دادخواست تقدیمی صدور حکم بر خسارات دادرسی را نیز خواستار شده اند مع هذا دادگاه در خصوص مورد اظهار نظر نکرده است.

۵- ادعای خواهانها تصرف قسمتهایی از مشاعات ساختمان بوده و این ادعا مورد قبول خواننده قرار گرفته است که با این ترتیب صدور قرار کارشناسی ضرورتی نداشته خاصه اینکه بررسی در مورد وجود یا عدم وجود اذن سایر مالکین امری است قضایی که از حیطه کارشناسی خارج است.

۶- در ماده ۱۲۰ قانون مدنی حق عدول از اذن در مواردی تجویز شده مگر اینکه مطابق صراحت ذیل ماده اذن دهنده به نحو ملزمی این حق را از خود سلب کرده باشد در مانحن فیه سه نفر از مالکین آپارتمانها طی رضایتنامه های رسمی صریحا حق رجوع از اذن را از خود ساقط کرده و در خصوص مالک چهارم، خواننده در مقام اثبات اذن وی به شهادت شهود استناد کرده و دادگاه بدون توجه به مفاد مندرجات رضایتنامه و بدون رسیدگی به دلیل خواننده مبادرت به صدور رأی نسوده و از حیث جنبه عمومی موضوع التناهی به مجوزهای صادره از مراجع ذیربط نداشته با محکوم نمودن خواننده حق مسلم و قانونی او را تضییع کرده است بنابراین تخلفات آقای ... رئیس وقت شعبه ...

در این قسمت، آقای ... تهرندی می شود. دادنامه شماره ۶۳ مورخ ۲۶/۲/۸۳ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات:

موضوع رسیدگی: کیفرخواست شماره ۴۳۸-۳۰/۷/۸۲ دادسرای انتظامی قضات مبنی بر اعلام تخلف آقای ... رئیس شعبه ... دادگاه عمومی تهران (مستشار محاکمه تجدیدنظر استان تهران)

جریان امر: آقای ... دادیار دادسرای انتظامی قضات در خصوص شکوائیه انتظامی آقای "م" از نحوه رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۷۵۳/۷۹ شعبه ... دادگاه عمومی تهران پس از مطالبه و ملاحظه پرونده امر ما حاصل آن را گزارش کرده و در پایان چنین اظهار عقیده می نماید:

۱- طبق بندهای الف و ح شق ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت خواهانها مکلفند هزینه دادرسی مربوط به خلع بد و قلع بنا و مطالبه اجرت المثل در پرونده امر را به ترتیب ماخذ ارزش معاملاتی ملک، مبلغ تقویم (پنج میلیون ریال) و مبلغ مورد مطالبه (نود میلیون ریال) با ابطال تسبیر پرداخت نمایند در حالی که فقط شش هزار ریال که مختص دعاوی غیر مالی است تسبیر به دادخواست خود الصاق و ابطال کرده اند گذشته

از اینکه دفتر دادگاه توجهی به مقررات بند ۱ ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی از حیث صدور اخطار رفع نقص و تکمیل پرونده نکرده دادگاه نیز التفاتی به تکلیف قانونی خود به شرح ماده ۶۶ قانونی مذکور که می بایست پرونده را جهت تکمیل آن به دفتر عودت می داد نداشته و پرونده ناقصی را رسیدگی نموده و ...

۲- مبلغ نود میلیون ریال اجرت المثل مورد مطالبه جزء خواسته خواهانها در دادخواست تقدیمی نبوده و بلکه بعدا طی لایحه شماره ۲۷۲۴-۲۱/۱۲/۷۹ خواسته مزبور را به خواسته های قبلی اضافه کرده اند که در این صورت دادگاه وظیفه دانسته بدوا افزایش خواسته را در صورت تکمیل بودن پرونده (با به خواننده ابلاغ و سپس مبادرت به رسیدگی نماید و حال آنکه دادگاه بدون ابلاغ این قسمت از خواسته به خواننده وارد رسیدگی شده که چنین اقدامی مغایر با قانون است.

۳- طبق جوابیه اداره ثبت، مالکیت یکی از خواهانها نسبت به یک دستگاه آپارتمان و یک واحد پارکینگ اعلام شده است لیکن دادگاه بدون دقت کافی به مندرجات جوابیه مزبور کلیه خواهانها را مالک

